

## اتحادیه آفریقا (واقعیت‌ها و چالش‌ها)

اتحادیه آفریقا یا به اصطلاح "AU"، یک سازمان کاملاً آفریقایی بوده که هدف اصلی و اساسی آن، هدایت قاره آفریقا به سمت صلح و امنیت و توسعه پایدار می‌باشد. این اتحادیه از روابط سیاسی و اقتصادی ۵۳ دولت<sup>۱</sup> عضو این اتحادیه حمایت نموده و تصمیم دارد که پیشرفت در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در میان کشورهای عضو این اتحادیه توسعه داده و زمینه‌های ریشه‌کنی فقر را در میان کشورها فراهم نموده و در نهایت، توسعه سطح اقتصاد این قاره، آن را به اقتصاد جهانی متصل نماید.

به منظور نشان دادن اهمیت اتحادیه آفریقا در سطح این قاره می‌توان به سخنان وزیر امور خارجه تانزانیا در همایش روز آفریقا در این کشور اشاره نمود. مشارالیه مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی و مشکلات عدیده آفریقا را در فقدان یک سازمان و یا یک دولت قاره‌ای در آفریقا دانسته و معتقد است که نقص وجود چنین سازمانی، موجب دخالت کشورهای دیگر در مسایل مختلف سیاسی، اجتماعی و احتمالاً نظامی این قاره شده که کشورهای مذکور عموماً به دنبال منافع خود می‌باشند.

<sup>۱</sup> غیر از کشور مراکش که به دلیل ملاحظاتی در خصوص جبهه پولیساریو در این اتحادیه عضویت رسمی ندارد و فقط به عنوان عضو ناظر اتحادیه می‌باشد، تمامی کشورهای آفریقایی در اتحادیه عضویت دارند.

اتحادیه آفریقا در واقع همان سازمان وحدت آفریقا می‌باشد که در سال ۲۰۰۲ به این نام تغییر یافت. سازمان وحدت آفریقا (OAU) نیز پس از روند رو به رشد استقلال کشورهای آفریقایی از سلطه استعمارگران اروپایی، در سال ۱۹۶۳ تشکیل شده است. وی در اواخر دوره خود در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، در حالی که به دلیل عدم پویایی و تحرک لازم در عرصه بین‌المللی و عرصه آفریقا مورد انتقاد شدید قرار گرفته، منحل و سازمان جدید با عنوان "AFRICAN UNION" یا اتحادیه آفریقا جایگزین آن شد.

از مجموع ۵۴ کشور قاره آفریقا، ۵۳ کشور عضو اتحادیه آفریقا می‌باشند که مرکز اصلی آن در شهر آدیس آبابا (اتیوپی) بوده و بودجه سالیانه این اتحادیه در حدود ۴۰ میلیون دلار آمریکا می‌باشد.

بنابر نظر و ایده آقای معمر قذافی رهبر لیبی و یکی از مهم‌ترین بانیان اتحادیه آفریقا، این اتحادیه در ابتدا به عنوان «ایالات متحده آفریقا» با اقتباس از ساختار اداری و اجرایی اتحادیه اروپایی طراحی شده، ولی در خلال اجلاس‌های اولیه و پس از بحث بررسی‌های لازم به نام اتحادیه آفریقا و با ساختار کمی متفاوت‌تر از طرح اولیه آن تأسیس گردید که براساس اساسنامه خود که مورد پذیرش همه اعضا قرار گرفته، قصد دارد که اتحاد و صلح میان ملت‌ها را توسعه داده و کشورهای عضو را به افزایش دموکراسی و تأسیس دولت مطلوب در کشورهای خود تشویق نماید و در مراحل بعدی نیز توسعه پایدار را در همه ابعاد در میان کشورهای این قاره توسعه دهد.

این اتحادیه معتقد است که درگیری‌ها و نزاع‌ها باید قبل از آن که به صلح و ثبات این قاره لطمه وارد نماید، حل و فصل گردد. به همین منظور اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۴

اقدام به تأسیس شورای صلح و امنیت نموده که این شورا ممکن است در درگیری‌های نظامی بین اعضا و یا در گیرهای داخلی کشورهای عضو دخالت نموده و در واقع سیاست این اتحادیه از «عدم دخالت» در درگیری بین کشورهای عضو (در سازمان وحدت آفریقا) به سیاست «عدم بی‌تفاوتی» در مواقع بروز درگیری میان کشورهای عضو تغییر یافته و این سازمان سعی خواهد نمود با روش‌های مختلف ضمن جلوگیری از وخامت اوضاع نسبت به استقرار صلح و آرامش میان طرف‌های درگیر اقدام عاجل صورت دهد.

این سازمان می‌تواند اقدام به اعزام نیروی نظامی متشکل از سربازان کلیمه کشورهای عضو به مناطقی نماید که در آن قتل‌عام و جرایم علیه بشریت در حال تحقق می‌باشد و هم چنین نیروهای چند ملیتی این سازمان می‌توانند به عنوان نیروی ناظر صلح در میان کشورهای عضو اتحادیه فعالیت نمایند.

در آینده برنامه‌ای برای تأسیس نیروی واکنش سریع اتحادیه در دست بررسی می‌باشد که قرار است تا سال ۲۰۱۰ این نیروهای تشکل شود تا در مواقع ضروری و حساس از آنان استفاده گردد. اولین تجربه اتحادیه آفریقا در خصوص اعزام نیرو برای پاسداری از صلح، به می ۲۰۰۳ و اعزام نیروهای حافظ صلح متشکل از سربازان کشورهای آفریقای جنوبی، اتیوپی و موزامبیک به کشور بورندی برمی‌گردد که این کشور به واسطه جنگ داخلی و درگیری‌های قبیله‌ای به کابوس آفریقا شهرت یافت. پس از آن، اتحادیه آفریقا در مراحل مختلف و متعدد اقدام به اعزام نیرو به مناطق دارفور (سودان)، موریتانی و سومالی نیز نموده است.

این اتحادیه در اولین گام خود در ۱۸ مارس ۲۰۰۴، اقدام به تأسیس یکی از مهم‌ترین ارگان‌ها و سازمان‌های خود به نام «پارلمان آفریقایی» نموده که این پارلمان مسایل کلی آفریقا را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در حال حاضر، فقط می‌تواند نظر مشورتی و یا نظارتی خود را به مجمع عمومی اتحادیه آفریقا ارایه نماید؛ هر چند در برنامه اتحادیه تشکیل ارگانی با قدرت کامل قانون‌گذاری و تقنینی پیش‌بینی شده که اعضا درصدد سوق دادن پارلمان آفریقا به چنین سمتی می‌باشند.

مقر پارلمان آفریقا شهر میدرند (آفریقای جنوبی) بوده که از ۲۶۵ نماینده از کلیه کشورهای عضو تشکیل گردیده که در حاضر ریاست این پارلمان بر عهده خانم چرتالدمونگلا از تانزانیا می‌باشد.

البته برنامه‌های دراز مدتی نیز درخصوص تأسیس دادگاه حقوق بشر، بانک مرکزی و سازمان مشترک پولی و در نهایت نیز تأسیس جامعه اقتصادی آفریقا با یک سیستم پول مشترک تا سال ۲۰۲۳ نیز در برنامه کاری اتحادیه آفریقا می‌باشد.

شایان ذکر است که در اجلاس اخیر، وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه با تشکیل دادگاه واحد اتحادیه آفریقا (AUC)، متشکل از یازده قاضی از ملیت‌های مختلف که مقر این دادگاه در شهر آروشای تانزانیا خواهد بود، موافقت نموده و از این رو، مقرر گردید که دادگاه واحد اتحادیه آفریقا نیز تا پایان سال جاری میلادی پس از تصویب اساسنامه خود، فعالیت رسمی خود را به عنوان بازوی نظارتی (ناظر بر حسن اجرای قوانین اتحادیه) آغاز نماید. برخی از رهبران کشورهای آفریقایی با انتقاد ضمنی از اتحادیه اروپایی درخصوص نداشتن دولت اروپایی، عزم خود را جزم نموده تا درخصوص تشکیل دولت

آفریقایی به عنوان پیکره اصلی و اساسی (پرنده اتحادیه آفریقا) که دولت آفریقا (GOVERNMENT CONTINENTAL) می‌باشد، اقدام نموده تا این دولت فراملی که متشکل از نمایندگان همه کشورهای عضو اتحادیه خواهد بود، بهتر و مناسب‌تر بتواند با بحران‌ها و مسایل آفریقا برخورد نماید و بنا بر قول یکی از وزرای کابینه تانزانیا، آفریقا بالغ بر ۴۰ سال است که به منظور حل مشکلات داخلی قاره خود، چشم به کشور اروپایی، آمریکا و کانادا و سایر کشورهای پیشرفته دوخته است و حال نوبت اتحادیه آفریقا می‌باشد که مشکلات فرزندان و افراد تحت پوشش خود را رأساً حل و فصل نموده تا از مداخله دیگران در این قاره جلوگیری نماید.

این گروه از رهبران معتقدند که نبود دولت آفریقایی موجب مداخله سایر کشورها به ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی و میانجیگری‌های بی‌مورد آنان در سطح قاره به نفع منافع ملی خود شده که این اقدامات در بسیاری از موارد به جای حل و فصل موضوع به وخیم‌تر شدن اوضاع میان کشورهای عضو اتحادیه منجر گردید؛ از این رو آنان معتقدند که ایجاد ساز و کاری با عنوان دولت آفریقایی برای حل و فصل امور داخلی آفریقا بسیار مثبت و ضروری می‌باشد، ولی برای رسیدن به این مهم راه درازی در پیش است.

همان‌طور که اشاره گردید، توجه این گروه از افراد، این است که دو بال (به اصطلاح پرنده) دولت آفریقایی یعنی دادگاه واحد آفریقا و پارلمان آفریقا به عنوان قوای قضاییه و مقننه اتحادیه تشکیل گردیده و حال نوبت به موتور محرک این قوا یعنی قوه مجریه می‌باشد که بتواند به عنوان یک سازمان مستقل و با همکاری سایر نهادهای وابسته، کل امور داخلی آفریقا را سازماندهی و هدایت نماید.

### ساختار اداری و اجرایی اتحادیه آفریقا

ساختار اداری و اجرایی اتحادیه آفریقا شامل مجمع عمومی، شورای اجرایی و کمیسیون دایمی می‌باشد. مجمع اجرایی اتحادیه آفریقا شامل رؤسای کشورهای عضو اتحادیه بوده که سالانه دست کم یک اجلاس عمومی خواهند داشت و علاوه بر آن، در صورت درخواست هر یک از اعضا و با تصویب دو سوم اعضا، مجمع عمومی نشست فوق‌العاده در خصوص موارد خاص برگزار خواهد شد. در واقع این مجمع، مهم‌ترین بدنه تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز اتحادیه می‌باشد. اعضای مجمع، رئیس اتحادیه را به منظور هدایت امور اداری و اجرایی اتحادیه برای یک سال انتخاب می‌کنند. تعیین خط‌مشی‌های کلی اتحادیه آفریقا، دریافت، توجه و اتخاذ تصمیم لازم در خصوص گزارش‌های واصله از سایر ارگان‌های اتحادیه آفریقا، بررسی درخواست عضویت اعضا جدید، تأسیس سازمان‌های جدید اتحادیه آفریقا، تصویب بودجه سالیانه اتحادیه، ارایه راهکارهای اجرایی به شورای اجرایی اتحادیه در خصوص نحوه برخورد با مخاصمات مسلحانه و یا هر گونه حالت فوق‌العاده میان اعضای اتحادیه، انتخاب و یا عزل قضات دادگاه عدالت اتحادیه، انتخاب رئیس کمیسیون و معاونان وی و هم چنین تعیین حدود وظایف و اختیارات آنان، از مهم‌ترین وظایف مجمع عمومی اتحادیه آفریقا می‌باشد.

شورای اجرایی شامل وزرای خارجه کشورهای عضو و یا مقامات رسمی معرفی شده از طرف دولت متبوع می‌باشد که سالیانه دو اجلاس عمومی خواهند داشت و در مواقع ضروری نیز با پیشنهاد هر یک از کشورهای عضو و تصویب دست کم دو سوم اعضا اقدام

به تشکیل نشست فوق‌العاده به منظور بررسی وضعیت خاص خواهند نمود که تصمیمات این کمیسیون چه در اجلاس‌های عادی و چه در اجلاس‌های فوق‌العاده که با اجماع آرای کلیه اعضای شرکت‌کننده و یا با دو سوم آرای کشورهای عضو اتخاذ می‌شود، به صورت پیشنهاد و یا نظریه به مجمع عمومی ارایه شده تا با توجه به این پیشنهادات مجمع بتواند تصمیم بهتر و منطقی‌تر را اتخاذ نماید.

کمیسیون دایمی آفریقا به عنوان مهم‌ترین بدنه اجرایی و دفتری اتحادیه علاوه بر رئیس کمیسیون (آقای آلفا عمر کناره از کشور مالی) و معاون وی (آقای پاتریک مازیمبا از کشور رواندا)، از خدمات هشت کمیسیون دیگر نیز برخوردار بوده که کمیسیون دایمی به همراه کمیسیون‌های فرعی خود در راستای حل و فصل مسایل قاره آفریقا انجام وظیفه نموده و نظرات خود را به شورای اجرای و در نهایت مجمع عمومی اتحادیه آفریقا ارایه نموده است و علاوه بر آن، تنظیم برنامه‌های کاری و فراخوانی اعضا در راستای تشکیل جلسات عادی و فوق‌العاده و در نهایت تنظیم صورت جلسات و یا موافقتنامه‌ها و قراردادهای مربوطه را بر عهده دارد.

هشت کمیسیون فرعی کمیسیون دایمی اتحادیه آفریقا به شرح زیر می‌باشد:

۱. کمیسیون صلح و امنیت به ریاست آقای سعید دیجیت از کشور الجزایر؛
۲. کمیسیون منابع انسانی، علوم و تکنولوژی به ریاست خانم ناجیه محمد اسایدار کشور لیبی؛
۳. کمیسیون مسایل سیاسی به ریاست خانم جولیا دونی جونیور از کشور گامبیا؛
۴. کمیسیون تجارت و صنایع به ریاست خانم الیزابت تانکو از کشور کامرون؛

۵. کمیسیون امور زیربنایی و انرژی به ریاست آقای برنارد زوبا از کشور کنگو؛
۶. کمیسیون امور اجتماعی به ریاست خانم بنک گا وا ناس از کشور نامیبیا؛
۷. کمیسیون امور اقتصادی به ریاست آقای ام کوزالمبا از کشور مالاوی؛
۸. کمیسیون کشاورزی و اقتصادی مناطق دور دست خانم روزی برود کوروچیلیا از کشور تانزانیا؛

اعضای هر یک از کمیسیون ها، رئیس دائمی کمیسیون را برای مدت چهار سال انتخاب می نمایند و این کمیسیون در مواقع خاص می تواند اقدام به تأسیس کمیته های تخصصی نموده و یا به فعالیت کمیته های تخصصی موجود پایان دهد.

معمولاً کمیته های تخصصی با عضویت وزرای مربوطه کشورهای عضو تشکیل شده که درخصوص مبحث کاری خود بحث و بررسی نموده و نظرات و پیشنهادات خود را به کمیسیون اتحادیه آفریقا ارائه و این کمیسیون نیز پس از بازبینی آن را در اختیار شورای وزیران و در نهایت مجمع عمومی قرار می دهد. در سال جاری میلادی رئیس اتحادیه آفریقا آقای جان کوفور (رئیس جمهور غنا) می باشد و ریاست کمیسیون اتحادیه آفریقا نیز بر عهده آقای آلفا عمر کناره (رئیس جمهور سابق مالی) است.

### چالش های اتحادیه آفریقا

اتحادیه آفریقا با چالش های زیادی مواجه می باشد. یکی از این چالش ها موضوع توانمندی و یا ناتوانی اتحادیه در مقابله با بحران های قاره ای می باشد؛ چرا که برخی اعتقاد دارند که این سازمان نیز همانند سازمان سلف، خود از اقتدار و قدرت کافی برای



حل و فصل مسایل قاره‌ای برخوردار نمی‌باشد و توجیه آنان، این است که اکثر رهبران فعلی که در این اتحادیه عضویت دارند، همان رهبرانی هستند که در سازمان وحدت آفریقا نیز عضویت داشته که با عضویت آنان، سازمان وحدت آفریقا بیشتر به یک کلوپ دیکتاتوری تبدیل شده بود تا به سازمانی برای حل مشکلات آفریقا که همین روند نیز موجب بروز انتقادات شدید و در نهایت انحلال سازمان وحدت آفریقا و جایگزینی سازمان جدید التاسیس اتحادیه آفریقا گردید. از این منظر می‌توان کاملاً حق را به این گروه از منتقدان داد؛ چرا که تغییر بنیادین در رهبران و یا شیوه رهبری کشورهای آفریقا نسبت پنج یا ده سال قبل ایجاد نگردید که بتوان به سرنوشت مثبت این اتحادیه نیز امیدوار بود. چالش دوم درخصوص مسایل مالی و پولی اتحادیه آفریقا می‌باشد؛ چرا که براساس اساسنامه سازمان، کشورهای عضو باید به منظور فقرزدایی و توسعه کشورهای عضو، به کشورهای دیگر سازمان که از امکانات مالی و یا سرمایه‌ای کمتری برخوردار می‌باشند، کمک نموده تا آنها نیز بتوانند بر مشکلات خود غلبه کنند. حال موضوع این است که آیا کشورهای عضو اتحادیه قادر به حل و فصل مسایل مالی و فقر در اقصی نقاط کشور خود می‌باشند تا در صورت غلبه بر این امر بتوانند مبالغی را به سایر کشورهای نیازمند کمک نمایند یا این که حجم مشکلات مالی و اقتصادی کشورهای عضو مانع از کمک به سایر کشورها شده و در نتیجه سیستم پولی و برنامه تشکیل جامعه اقتصادی آفریقا که قرار بود تا سال ۲۰۲۴ در سطح آفریقا اعمال گردد، با شکست مواجه خواهد شد.

اتحادیه آفریقا انتظار دارد فعالیت‌ها و اقدامات وی مورد حمایت و پشتیبانی تک تک اعضا اتحادیه قرار گرفته و در آینده اصل حاکم بر روابط اقتصادی بسیاری از کشورهای

اتحادیه در خصوص گرفتن کاسه گدایی نزد کشورهای اروپایی و آمریکا برای تخصیص کمک‌های بیشتر و یا سرمایه‌گذاری بیشتر در کشورهای عضو، ممنوع گردد. ولی با روند فعلی و بنا بر نظر رئیس کمیسیون آفریقا در سال ۲۰۰۴، موجودیت و ادامه موجودیت کشورهای آفریقایی به اخذ کمک از کشورهای پیشرفته غربی و آمریکا منوط می‌باشد و نه به استقلال مالی آنان. این نظریه، با توجه به اعتقاد برخی رهبران اتحادیه آفریقا مبنی بر کمک ایلات متحده به کشورهای آفریقایی برای متحول کردن اقتصادشان، هم چون کمکی که به کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم برای رشد اقتصادی این کشورها نمود، مورد تأمل بیشتری خواهد بود.

چالش سوم اتحادیه آفریقا را می‌توان چنین تصور نمود که در یکی از اصول اتحادیه پیش بینی گردید که کشورهای عضو باید یکدیگر را به توسعه فرایند دموکراسی و تلاش در راستای افزایش عملکرد اقتصادی در کشورهای عضو تشویق و ترغیب نمایند. اما این اصل نیز مورد چالش برخی از سیاستمداران قرار گرفته است؛ چرا که آنان معتقدند که اگر تشویق دموکراسی در سرلوحه اصول اتحادیه آفریقا قرار دارد، پس برخی از کشورهای آفریقایی مانند مصر، زیمباوه، کنگو، لیبی و ... هنوز توسط رهبران دیکتاتور هدایت و رهبری می‌شوند و این در حالی است که کشورهای دیگر عضو اتحادیه به تعهد خود عمل ننموده و به این گونه رهبران نه تنها انتقاد نکرده، بلکه به صورت تلویحی با نشان ندادن عکس‌العمل لازم، از اقدامات غیر دموکراتیک آنان حمایت می‌کنند که می‌توان به نمونه بارز آن در برگزاری انتخابات غیر دموکراتیک در برخی از کشورهای آفریقایی مانند مصر و یا عدم رعایت حقوق شهروندی و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد

در کشورهای متبوع خود مانند حق آزادی بیان و آزادی اندیشه و ... در برخی دیگر از کشورهای مانند لیبی و مصر و ... اشاره نمود که این گونه اقدامات در تضاد آشکار با روح اساسنامه اتحادیه آفریقا می باشد.

وجود رهبران مستبد و دیکتاتور در برخی از کشورهای آفریقایی، روند دموکراسی در کل آفریقا را با یک چالش و سؤال اساسی مواجه نموده که آیا اساساً تلاشی در راستای استقرار دموکراسی و مردم سالاری در این کشورها صورت گرفته و یا اصولاً چنین نظری در میان حاکمان جوامع آفریقایی وجود دارد که در صورت مغلوب شدن در انتخابات آزاد و دموکراتیک در یک پروسه قانونی سالم و صلح آمیز اختیار امور کشور را به دست همکاران و یا احزاب جدید بسپارند و یا سعی می نمایند که با لطایف الحیل هم چنان قدرت در را در دست خود داشته و در این راه بر اراده و خواست ملت نیز اهمیتی نداشته باشند.

نکته‌ای که در این زمینه قابل ذکر است، این است که عموماً تمام انتخابات برگزار شده در قاره آفریقا با مشکلات خاصی همراه بوده که مشروعیت انتخابات را با تهدید جدی مواجهه می نمود، ولی حزب حاکم که معمولاً برنده انتخابات این قاره می باشد، قدرت را مجدد در دست گرفته و به این گونه انتقادات توجهی نمی کند. برای مثال، می توان گفت که حتی در انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای شهر اواخر ۲۰۰۴ میلادی تانزانیا و زنگبار، برخی از ناظران از اقدام دولت در راستای انجام تقلب‌های وسیع و فراگیر در انتخابات (به ویژه انتخابات جزیره زنگبار) انتقاد نموده و حتی سعی داشتند که این انتخابات را تأیید نکنند، ولی حزب حاکم سرانجام توانست رأی و نظر آنان را جلب نماید. مورد دیگر در خصوص انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیجریه می باشد که این

انتخابات نیز توسط برخی از ناظران انتخابات به دلیل بروز تقلب‌های وسیع و فراگیر در مناطق مختلف آن کشور با اشکال مواجه شده و این اشکالات چه توسط مقامات نیجریه و یا حتی مقامات رسمی سایر کشورهای آفریقایی و مسوؤلان اتحادیه آفریقا به عنوان مجری اساسنامه اتحادیه مورد توجه و اعمال نظر قرار نگرفته و حزب حاکم مجدداً قدرت را از آن خود نمود.

عدم تغییر در رهبران سیاسی اکثر کشورهای آفریقایی و به قدرت رسیدن دیکتاتورهای سابق تحت پوشش انتخابات عمومی و دموکراتیک خود نوعی تناقض بوده که چگونه ممکن است افرادی که خود عامل قتل عام مردم خود و یا عامل مهم مبارزه و مقابله با دموکراسی در کشورهای خود می‌باشند، خود نیروی محرکه دموکراسی و مردم سالاری را در کشورهايشان به راه انداخته و دیگران را نیز به این کار تشویق نمایند. برخورد دولت مصر با چند تن از منتقدان از احزاب مختلف مصر و هم چنین درگیری‌های پراکنده که به قتل عام صدها نفر در کنگو منجر گردیده، همگی نشان می‌دهند که این رهبران نه تنها خود در پروسه دموکراتیک انتخاب نشده و از این رو، مشروعیت آنان تحت سؤال می‌باشد، بلکه خود از مخالفان سرسخت مردم سالاری در کشورهای خود می‌باشند و از این رو، با این شرایط در کنار فقر مالی شدید کشورهای عضو و حضور همه جانبه کشورهای غربی در برای استثمار پنهان کشورهای آفریقایی و هم چنین عدم درک سیاسی و فرهنگی لازم مردم این جوامع به دلیل فقر اطلاع رسانی و مطلع شدن از افکار و عقاید مختلف احزاب سیاسی، تبیین آینده روشن، مثبت و روبه رشد برای اتحادیه آفریقا را بامشکل مواجه ساخته و بیم آن می‌رود که در آینده نه چندان دور، شاهد انحلال و یا

تشریفاتى شدن این اتحادیه در سطح قاره آفریقا باشیم. موضوعی که در حال حاضر نیز درخصوص بحران دارفور سودان به چشم می‌خورد و تلاش‌های رهبران اتحادیه درخصوص جلوگیری از ادامه بحران، موفقیت‌چندانی نداشته و در نهایت با حضور سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و کشورهای غیر آفریقایی مانند آمریکا و... تلاش‌هایی که در راستای حل بحران صورت گرفته و در کنار آن نیز اتحادیه آفریقا نقش تشریفاتى خود را در راستای به اصطلاح کنترل بحران ایفا نمود، ولى به طور قاطع می‌توان ادعا نمود که اگر اتحادیه آفریقا راساً قصد کنترل این اوضاع را داشت، با موفقیت مواجه نمی‌شد و تلاش‌های اتحادیه به شکست می‌انجامید.

البته علاوه بر انتقاد فوق، انتقادات دیگری نیز به اتحادیه آفریقا، برخی از اعضای آن و سیستم اداری و اجرایی آن وارد است. برای مثال، برخی از کشورهای آفریقا خارج از ضوابط اتحادیه، اقداماتی را در راستای اخذ کمک‌های بیشتر از کشورهای غربی انجام داده و در مقابل نیز منابع طبیعی خود را با ثمن بخش در اختیار آنان قرار می‌دهند که این در امر با اصول اتحادیه آفریقا مبنی بر حفظ و حراست از میراث فرهنگی و منابع طبیعی آفریقا در تضاد می‌باشد. علاوه بر آن، برخی از کشورهای عضو اتحادیه در برخی از موارد، ژست دموکراتیک به خود گرفته و سعی دارند خود را پیشرو در زمینه حفظ و صیانت از آرا و به اصطلاح دموکراسی معرفی نموده و با این حربه کمک‌های خارجی را که با عناوینی چون توسعه دموکراسی در کشورهای آفریقایی قابل دریافت می‌باشد، به سمت کشورهای خود سرازیر نموده و این کمک‌ها را به جیب خود و یا حزب حاکم واریز و با این کار قدرت و امکانات بیشتری را در راستای منافع خود از یک سو و سرکوب مخفیانه فریادهای

آزادی خواهی از سوی دیگر جذب و هزینه نمایند؛ مانند مشکلاتی که در کشورهای هم چون زیمبابوه و کنگو و رندا و بروندي تا کنون به وقوع پیوست.

در کشورهای آفریقایی کسب قدرت، سرمایه و پول نقش بسزایی را ایفا نموده و تجربه نشان داده که اگر شخص و یا حزبی پول و یا امکانات بیشتری داشته باشد و یا از حمایت‌های آشکار و یا پنهان کشورهای غربی برخوردار باشد، امکان به قدرت رسیدن آن حزب به مراتب بیشتر از احزاب مردمی‌تر و دموکراتیک‌تر می‌باشد؛ چرا که احزاب مردمی و محبوب؛ به دلیل نداشتن امکانات مادی و یا ابزارهای تبلیغاتی مانند رادیو، تلویزیون و روزنامه قادر نیستند افکار خود را به آرای عمومی گذاشته و از قبل، آن رأی مثبت مردم را جذب نمایند. به بیان دیگر می‌توان گفت که در حال حاضر، دارندگان قدرت مادی، پول و سرمایه و مراکز اطلاع‌رسانی در کشورهای آفریقایی برنده انتخابات بوده و نه افکار ایده‌ها و عقاید احزاب سیاسی.

شاید گفته شود که این امر در همه کشورها حتی کشورهای آسیایی و اروپایی (به اصطلاح متمدن) نیز صدق می‌کند. ولی تفاوتی که میان این کشورها و کشورهای آفریقایی وجود دارد، این است که اگر نتوانیم ادعا کنیم که در سایر کشورهای متمدن همه احزاب و حتی حزب حاکم به صورت برابر از ابزار رسانه‌ای در راستای معرفی خود استفاده می‌کنند، ولی می‌توان گفت که احزاب (به اصطلاح) مخالف و یا حزب غیر حاکم نیز امکان دسترسی نسبی و مطلوب به رسانه‌ها در برای معرفی افکار و عقاید خود را دارد؛ در حالی که در آفریقا این امر کاملاً تفاوت داشته و احزاب مخالف قدرت استفاده از رسانه‌های شنیداری و یا گفتاری را ندارند؛ چرا که دولت و یا حزب حاکم با سرمایه‌های خود که عموماً از محل

کمک‌های خارجی برای توسعه کشور اخذ شده، اقدام به خرید این رسانه نموده و این رسانه‌ها در واقع مداح دولت می‌باشند تا منعکس کننده خواسته‌ها و نیازهای مردم و جامعه.

چالش دیگری که قاره آفریقا با آن مواجه می‌باشد، انعقاد قراردادهای به اصطلاح استعماری و استثمارگری برخی از کشورهای آفریقایی با کشورهای پیشرفته توسعه‌یافته اروپا و آمریکا می‌باشد؛ چرا که این کشورهای به پشتیبانی مالی و سیاسی کشورهای اروپایی نیازمند بوده و از آن سو کشورهای اروپایی نیز به مواد خام و منابع طبیعی کشورهای آفریقای نیاز شدید دارند. برای مثال، سنگ قیمتی تانزانیت که مختص کشور تانزانیا می‌باشد، از این کشور به صورت خام توسط شرکت‌هایی از آفریقای جنوبی و ژاپن و چین و آمریکا استخراج و صادر می‌شود و پس از فرآوری و استحصال با قیمت‌های گزاف در بازارهای کشورهای اروپایی به فروش می‌رسد؛ در حالی که سهم تانزانیا از فروش هر قطعه تانزانیت فقط ۵ درصد قیمت نهایی آن می‌باشد. به گفته یکی از اساتید دانشگاه دارالسلام، تانزانیا اولین قدم در راستای رهایی از فقر و بیچارگی و استقلال کامل کشورهای آفریقایی، فسخ نمودن این گونه قراردادهای استعماری می‌باشد که با وجود وضعیت کشورهای آفریقایی، این امر دست کم تا چندین دهه آینده ممکن نخواهد بود.

همه این مشکلات و چالش‌ها از یک سو و روند رو به افزایش بیماری‌های مانند ایذر، هپاتیت و مالاریا و ضعف فنی، فناوری و مالی کشورهای عضو اتحادیه در راستای مقابله و مبارزه با این مسایل، ادامه موجودیت و بقای اتحادیه را با بحران‌هایی مواجه خواهد نمود و این بحران‌ها و چالش‌ها دست به دست هم خواهند داد تا این قاره مانند

گذشته در تب فقر و بیچارگی سوخته و به منظور رسیدن به حداقل‌های خود، سرمایه‌های ملی خود را به راحتی با قیمت نازل در اختیار کشورهای پیشرفته قرار دهند.

آقای گلدن براون در سفر دوره ای خود به برخی از کشورهای آفریقایی در سال ۲۰۰۵، بیان نمود که تا سال ۲۰۱۳، آموزش عمومی در سطح آفریقا عمومی و فراگیر خواهد شد و تا سال ۲۰۵۰ نیز کشورهای این قاره توانایی مقابله نسبی با فقر و ریشه‌کنی این مسأله اجتماعی را خواهند داشت. این اطلاعات نشان دهنده فاصله زیاد این قاره با فرم‌ها و استانداردهای جهانی در همه زمینه‌ها می‌باشد.

به نظر می‌رسد که افکار عالی طراحان اتحادیه آفریقا مبنی بر تشکیل پول واحد، ارتش واحد و سیستم روادید واحد (به تبعیت از اتحادیه اروپایی) راه به جایی نبرده و دست‌کم تا پانزده سال دیگر، احتمال تشکیل چنین تشکیلات منسجم و منظمی در اتحادیه آفریقا وجود نخواهد داشت.

اشکالی که به نظر می‌رسد درخصوص تشکیل اتحادیه آفریقا از ابتدا وجود داشته، این است که بنیان این اتحادیه تلاش می‌کنند که الگوبرداری کاملی از اتحادیه اروپایی را به عمل آورده و سپس نسبت به اعمال آن در اتحادیه آفریقا اقدام نمایند، غافل از این که شرایط زمانی، مکانی، پولی و حتی شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این دو قاره با یکدیگر تفاوت فاحش داشته که می‌تواند تشکیل چنین اتحادیه‌ای را تحت شعاع خود قرار داده و عملکرد آن را با نقصان و ضعف همرا نماید.

کاظم سلطان احمدی\*